

جستارهایی از تاریخ وقف در ایران به ویژه اصفهان (با تکیه بر نوشته‌های عبدالحسین سپنتا)

محمد حسین ریاحی

چکیده:

سیر تاریخ وقف در ایران اسلامی از جمله دوران‌های کارساز و درخشان، می‌تواند نقش این نهاد ارزشمند را در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی بازگو کند. مرحوم عبدالحسین سپنتا از جمله کسانی است که نزدیک به نیم قرن پیش با تدوین اثری نسبتاً مناسب کوشیده تا با ارایه مطالب و اسنادی قابل توجه و کم‌نظیر به توصیف وقف در ایران اسلامی به ویژه شهرهایی مانند اصفهان بپردازد، هر چند که مطالعات وقف امروزه نسبت به گذشته متحول شده لیکن کار مرحوم سپنتا در «تاریخچه اوقاف اصفهان» قدمی مهم در تبیین اهمیت وقف در تاریخ تمدن اسلامی، ایران و به ویژه اصفهان است.

کلید واژه‌ها:

وقف، ایران، اصفهان، عبدالحسین سپنتا.

مقدمه:

با توجه به اهتمام دین مبین اسلام و تأکید قرآن کریم و احادیث و روایات برگرفته از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به امور خیر و وقف در بسیاری از مناطقی که در قرون نخستین هجری به دین مبین اسلام گرایش پیدا کردند وقف توسعه یافت، از جمله در ایران به ویژه در شهرهای آن این موضوع محسوس و قابل اعتنا بود شهرهایی مانند ری، اصفهان، بخارا، شیراز، اردبیل، همدان، نیشابور، طوس و بسیاری از بلاد دیگر.

در آثاری چون «تاریخچه اوقاف اصفهان» از مرحوم عبدالحسین سپینتا گامی مثبت جهت توصیف این سیر تاریخی در ایران و اصفهان است چرا که مؤلف از لابلای متون سعی بر ارایه اهمیت وقف و نقش و تأثیرگذاری آن در این خطه از جهان اسلام یعنی ایران و شهرهایی از آن مانند اصفهان دارد.

از جمله آثار و تألیفات در باب اوقاف که حدود نیم قرن پیش به چاپ رسیده کتاب مذکور است که توسط

اداره اوقاف اصفهان و به سال ۱۳۴۶ خورشیدی به چاپ رسیده است. کتاب در چهارصد و سی و هشت صفحه تألیف شده و دربرگیرنده اطلاعات خوب و جامعی درباره اوقاف اصفهان در ادوار مختلف و حتی زمینه اوقاف و موضوع وقف در ایران است به ویژه در ادوار قبل از صفویه که مؤلف با استناد به نوشته‌های مورخین و آثار، آن را در اثر خود درج نموده است. قبل از پرداختن به موضوعات و مندرجات تحقیق، شایسته است درباره مؤلف نیز مطالبی ذکر گردد.

عبدالحسین سپینتا در چهاردهم خرداد ماه ۱۲۸۶ خورشیدی در تهران متولد شد. پدرش غلامرضا طالب زاده شیرازی بود که به واسطه نام اجدادی اش «شیروانی» و با اقامت طولانی در رشت به «رشتی» شهرت داشت، غلامرضا خان، از ملتزمان دربار مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) بود و چون به زبان انگلیسی آشنایی داشت به عنوان مترجم دکتر «اداکاک» پزشک مخصوص شاه، در سفر

مظفرالدین شاه به اروپا جزو همراهان او بوده است. مادرش شوکت شیرازی از نوباوگان خاندان معروف امام جمعه شیراز بود. یکی از کسانی که در تربیت عبدالحسین سپنتا نقش عمده‌ای داشت دایی او میرزا محمدحسین شیرازی بود که به زبان‌های متعدد آشنا و با علوم مختلف سر و کار داشت. سپنتا با طی نمودن مراحل در مدارس جدید به هنر نمایش روی آورد و پس از مدتی جهت مطالعه و تحقیق راهی هندوستان گردید.

سپنتا پس از آن به حرفه روزنامه‌نگاری روی آورد و در عین حال به امور سینمایی و ساختن برخی فیلم‌های تاریخی پرداخت که شاید مهم‌ترین علت رویکرد او به ساختن این فیلم‌ها علاقه‌مندی وی به تاریخ بوده است.

پس از چند بار رفتن به هندوستان و اقامت در این سرزمین کار مطبوعاتی خود را توسعه داد و در این رهگذر نیز به تألیف کتاب روی آورد، اولین روزنامه سپنتا در شهر بمبئی هندوستان

تحت عنوان «دورنمای ایران» بوده است. اما مهم‌ترین کار روزنامه‌نگاری وی «نامه سپنتا» بوده است و به نقلی روزنامه او: مجموعه‌ای از آثار ذوق و ادب و نمونه‌ای از بهترین یادگار شاهکارهای شرق و غرب را ارایه نموده است. عبدالحسین سپنتا در هشتم فروردین ماه ۱۳۴۸ در اصفهان بر اثر سکت قلبی در گذشت و در مقبره خانوادگی‌اش واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

و اما این اثر یعنی «تاریخچه اوقاف اصفهان» فاقد فصل بندی است و دارای هفتاد و هشت مطلب جداگانه و مجزا درباره موقوفات در ایران به ویژه اصفهان است که عمده مطالب مربوط و مرتبط با دوران صفویه است که تصویری از مطالب و مندرجات کتاب در این نوشته ترسیم می‌شود ضمن این که اثر مذکور دارای چهل و یک تصویر است که عمدتاً مربوط به وقفنامه‌ها می‌باشد.

نویسنده در مقدمه به ضرورت پرداختن به موضوع وقف و اهمیت



آن اشاره نموده و در جایی، درباره انگیزه خود از تألیف اثر سخن گفته و آورده است: توقف ممتد در شهر تاریخی اصفهان و علاقه به آثار باستانی [تاریخی] این شهر بزرگ که گویی گنجینه جاودانی صنایع ایران از دوران بسیار کهن تا امروز می‌باشد مرا در این راه یاری کرد.^۱

مؤلف پس از آن در باب ارزش شناخت آثار و موقوفات آن را مطرح نموده و می‌نویسد: برای کسانی که هر گاه به ابنیه باستانی و مساجد و بقاع قدیمی می‌نگرند، تجلی روح و هنر گذشتگان را می‌بینند بسیار جالب و امیدبخش است که بدانند این آثار خیر مانند هزاران مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام، پل، دارالشفا، بیمارستان، کتابخانه، مکتب خانه، آب انبار، راه، رباط در سراسر ایران روی چه عقیده مقدس و برای چه هدف و نظر عالی انسانی به وجود آمده و بانیان و هنرمندان و استادانی که در این آثار با صرف مال و وقت و به کار بردن سلیقه و هنر خدمت کرده‌اند چه کسانی

بوده‌اند و با چه ایمان و عقیده راسخ این همه آثار بدیع را به وجود آورده و از خود باقی گذاشته‌اند و بانیان این ابنیه خیر برای بقا و تعمیر این آثار چه اراضی وسیع و املاک زیاد و موقوفات کثیر بر جا گذاشته و چگونه اسناد محکم برای مصون بودن آن املاک و موقوفات از دستبرد و تجاوز و ویرانی و تغییر و تبدیل تنظیم و باقی نهاده‌اند؛ زیرا آنان بدین حدیث شریف مؤمن بوده‌اند که: پس از مرگ آدمی کار او بریده می‌شود مگر از سه چیز، صدقه و بخشش جاری یا دانشی که از او سود برند یا فرزند صالحی که او را به نیکی یاد کند.

اگر شکاف و شکن طاق‌ها و دیوارهای این ابنیه نیمه ویران زبان داشت به صراحت می‌گفت که از سال ۱۰۱۴ هجری بسیاری بازارها، حمام‌ها و املاک و دیه‌های بزرگ وقف برای تعمیر و حفظ ما بود و به شهادت کتاب‌های مستندی مانند قصص الخاقانی و خلدبرین و عالم آراء عباسی و تاریخ عباسی این

موقوفات در دوران صفویه صدها هزار تومان قیمت داشت و عواید آن مبالغ شگفت‌آوری را تشکیل می‌داد، وقفنامه موقوفات سلطنتی را شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (معروف به شیخ بهایی) نوشت و رسیدگی به کار اوقاف را امثال میر جلال‌الدین حسن صلابی؛ میر محمد باقر داماد، ملا عبدالحسین کاشی، ملا محسن فیض و مولانا عبدالله شوشتری و شیخ لطف الله میسی عاملی و میرزا رضی‌ها عهده دار بوده‌اند و از عواید وقف مبالغی به ارباب علم و مستمندان اختصاص داده شده بود، به طوری که منجم باشی شاه عباس جلال‌الدین محمد یزدی می‌نویسد: در سال ۱۰۱۷ هجری مقرر شد هر ساله شش هزار تومان به مستحقین پرداخته شود و در تاریخ عباسی می‌نویسد: مبلغ یک هزار تومان وظیفه به ارباب علم داده می‌شد و بنا به قولی شاه عباس گفته است: آنچه اطلاق مالیت بر آن توان کرد حتی این دو انگشتر که در دست دارم وقف است لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب‌نمای

اشرف که متولی آنهاست اقتضا نماید در راه دین و دولت صرف نمایند، تاریخ زندگی شاه عباس و بعضی سلاطین دیگر صفوی حاوی بسیار مطالب در این باب است که متأسفانه امروز از بسیاری موقوفات آن عصر اثر و خبری نیست و ابنیه نیمه ویران ولی قابل تعمیری که باقیمانده به زبان حال به کسانی که به قول شاه عباس عواید اوقاف را در راه دین و دولت صرف نکرده‌اند، نفرین می‌فرستد.^۲

هنگامی که نویسنده (مرحوم عبدالحسین سپنتا) شروع به تهیه مدارک و مطالب برای تألیف این کتاب کرد با اشکالات چندی مواجه شد که مهم‌ترین آن نداشتن وقت کافی برای انجام این منظور بود. معهذا اغلب ایام تعطیل و ساعات اول شب را به این کار اختصاص داد و در نتیجه قریب یک سال کتاب مذکور را تقدیم علاقه‌مندان به موضوع تاریخ اوقاف ساخت.

در نگارش این اثر از پنجاه و چهار کتاب استفاده شد که اسامی آن کتب از صفحه ۹ تا ۱۴ این کتاب [تاریخچه



اوقاف اصفهان] ذکر شده است. به علاوه برای حفظ اصالت مطالب و مندرجات به منظور مراجعه، ذیل صفحات بدان کتب استناد جسته و هر جا و هر کس از دادن اطلاع و یا استنساخ و مقابله قسمتی از وقفنامه و یادداشت‌ها به وی کمک کرده، ذیل صفحات یا با ذکر نام از او تشکر کرده است.

به نظر نگارنده [عبدالحسین سپینتا] عدم تذکر نام و منابع مطالب برای هر نویسنده خیانتی غیرقابل عفو به شمار می‌رود زیرا حق دیگری را پایمال خود پسندی خویش ساخته و این عادت زشت را باید کسانی که قلم به دست گرفته و در تحقیقات تاریخی و علمی وارد می‌شوند از خود دور دارند.

در وقفنامه‌ها اغلب به مواردی برخورد کرده‌ایم که نویسندگان فقط به ذکر نام قراء ودیه‌ها اکتفا کرده و با جمله «هناک مشهوره معروفه مستغنیه من ذکر التحدید و التوصیف» گذاشته و گذاشته‌اند و به همین علت امروز محل و حدود بسیاری نقاط که در وقفنامه‌ها از آن نام برده شده، بر ما نامعلوم مانده

است. یکی از مشکلات خواندن بعضی وقفنامه‌ها این است که بدون نقطه و با جملات عربی و فارسی مخلوط و گاهی مغلوط نوشته شده و گاهی نیز در موقع نوشتن رونوشت وقفنامه‌ها کلمات و جملاتی از قلم افتاده که رشته مطلب را گسسته است.

در سراسر این کتاب منتهای سعی به عمل آمده که در متن وقفنامه‌ها به هیچ وجه تغییر و اصلاحی به عمل نیاید و عین آنچه به دست ما رسیده چاپ شود و هر جا به مطلبی برخورد کرده‌ایم که لازم و یا مربوط به موضوع کتاب نبوده است و یا قرائت آن ممکن نشده، به جای آن چند نقطه گذاشته شده است. وقفنامه‌هایی که در این کتاب به چاپ رسیده همان قدر که از لحاظ تاریخیچه اوقاف اصفهان جالب است از نقطه نظر اطلاع از سبک نگارش در دوره‌های مختلف نیز شایان توجه می‌باشد و دارای مضامین و مطالب جالب و مخصوصاً ثناخوانی‌های اغراق آمیز و شگفت انگیز است که در آن عصر ستوده به نظر می‌رسید.

عکس‌ها و تصاویری که در این کتاب چاپ شده همه از کتب و مأخذ تاریخی اقتباس گردیده که در دسترس عموم نیست، به علاوه عکس خط و امضاء و مهر برخی رجال و دانشمندان در این کتاب برای اولین بار چاپ شده است.

مطالبی که راجع به موقوفات از کتیبه‌های مساجد اصفهان اقتباس و نقل شده هم از لحاظ سبک نگارش زمان آنها و هم از نقطه نظر طرز تفکر وقف کنندگان و شرایط آنها جالب است.^۳

در وقفنامه‌ها مکرر به مواردی بر می‌خوریم که وقف کنندگان منتهای دقت را کرده‌اند تا از حیف و میل شدن عواید موقوفات و به مصرف صحیح رساندن آن جلوگیری کنند و با ذکر آیه ۱۸۱ سوره بقره ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ در اواخر وقفنامه کوشیده‌اند موجب تنبه متولیان را فراهم سازند و مکرر وصیت کرده‌اند که «بعد از واقف تولیت با اصلح اولاد

باشد^۴ و ذکر کرده‌اند که «به کلیه ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه به شرط آن که طلاب مشغول طلب علوم دینی باشند و بیکار نباشند و به فراخور استحقاق و صلاح و تقوی و فضل هر یک قسمت نمایند»^۵ و در پایان هر وقفنامه تغییر دهنده و متجاوز را به لعنت خدا و نفرین رسول و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم اجمعین) تهدید کرده‌اند و مخصوصاً تأکید کرده‌اند که «الوقوف تكون علی حسب ما یوقفها اهلها ان شاء الله» و تذکر داده‌اند که موقوفات به همان مصارفی برسد که وقف کننده نیت داشته و معین کرده است.

مرور در تاریخ و توجه به تاریخچه وقف در اصفهان به ما نشان می‌دهد که نه فقط بعضی موقوفات در اثر تجاوز افراد به حال املاک اختصاصی در آمده بلکه جنگ‌ها، کشتارها، انقلاب‌ها، زلزله‌ها و قحطی‌ها و آسیب دیدگی‌های ناشی از سیل و طوفان و بیماری وبا و طاعون نیز عامل مؤثری بوده است که نام و نشان موقوفات



چندی را از بین ببرد و تاریخچه آن را به دست فراموشی سپارد.

روزگاری بوده است که خدمات فرهنگی، بهداشتی، کمک‌های اجتماعی از طریق موقوفات انجام می‌گرفته، تشکیلات اوقاف آن زمان بهترین نمونه بشر دوستی و خدمات اجتماعی آن عصر را نشان می‌دهد، آن روز بهتر از آن وسیله‌ای برای توسعه علم و کمک به دانشمندان و مساعدت به ایتم و بیوه زنان و معالجه بیماران و درماندگان وجود نداشته است. برای اقناع این حس انسان دوستی بود که موقوفات و صدقات جاریه به وجود آمد و نگارش این مقاله به این منظور است که تجلیات آن عقاید و افکار مقدس را در آثار باقیمانده ابنیه موقوفه فعلی ظاهر گردانیم.

مرحوم سپینتا در اشاره به اهمیت وقف در تاریخ با استناد به نوشته دکتر باستانی پاریزی آورده است:

«اصولاً باید گفته شود که وقف از نظر اجتماعی از مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است زیرا بر طبق

اصول و موازینی که برای موقوفات از قرن‌ها پیش در نظر گرفته شده، معمولاً ثروت‌ها بعد از هر چند سال از خانواده‌ای به خانواده‌ای و از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر انتقال پیدا می‌کند و تعدیل می‌شود بدون این که عامل عدم رضایت یا خونریزی و شورش را در پی داشته باشد و در واقع یک رفرم اجتماعی است بدین معنی که همیشه مقدار مهمی از املاک و درآمد آن در اختیار شخصی به نام متولی و ناظر و امثال آن قرار می‌گیرد و او سهمی برای خود دارد و بقیه را باید در راه‌های خیر عمومی به کار برد و چون معمولاً اکبر و ارشد اولاد و احفاد واقف متصدی این امر هستند، در واقع یک نوع بیمه بازنشستگی برای پیران یک خانواده محسوب می‌شود (البته به شرط آن است که حساب موقوفه خواران را از موقوفه مداران جدا کنیم)»^۶.

توجه دقیق به طرق انجام این نیت طی تاریخ ثابت می‌کند که در هر دوره و در هر نقطه خیر اندیشان با در نظر گرفتن موقعیت و نیازمندی‌های عصر

خود راه خیرات و میراث را تشخیص داده و تعیین کرده‌اند، کما این که در جنگ‌های بزرگ عواید املاک وقف را به خرید اسرای جنگی و زندانیان اختصاص می‌داده‌اند.

نگاهی به اوقاف در دوران آل بویه

از جمله موارد مطرح در این اثر بیان مختصری از دوره‌های مهم تاریخی وقف در ایران اسلامی است که از جمله قبل از صفویه ادوار سلسله‌هایی چون آل بویه یا دیلمیان و عصر سلجوقی بوده است وی در این رابطه با اوقاف دوره دیلمیان به ویژه در شهر اصفهان آورده است:

عبداللوه در بغداد به ساختن ابنیه خیریه و مساجد و بازار و وقفیات پرداخت (۳۶۷ هجری) و برای پیشوایان مذهبی حقوق و مستمری معین کرد و قطعاً دیلمیان در اصفهان نیز به چنین امور خیر دست زده‌اند، مرکز فعالیت و زندگی دیلمیان در اصفهان حدود میدان کهنه فعلی اصفهان بوده که

می‌گویند از آنجا به قلعه طبرک که آن هم از بناهای دیلمیان بوده است نقب زده بودند و در زمان آنها نواحی پاقلعه، خواجه و ترواسگان (که امروز تل واسکان یا تل واژگون تلفظ می‌کنند) و حوالی مسجد جامع و میدان کهنه بسیار آباد بوده، بنا به قول مافروخی مسجد «جورجیر» یا جو جو (که امروز جوچه و جوجی تلفظ می‌کنند)^۷ که آن را مسجد جامع صغیر می‌نامیده‌اند در دوره دیلمیان ساخته شده^۸.

تنها یادگاری که از ابنیه و آثار دیلمیان فعلاً در اصفهان وجود دارد سردر این مسجد می‌باشد که پشت مسجد حکیم (حکیم محمد داود، طیب شاه عباس دوم در سال‌های ۱۰۶۷-۱۰۷۳ ه.ق) قرار گرفته است.

بعد از سردر مزبور که از لحاظ کتیبه و نقش مهم است و صنفه صاحب (صاحب بن عباد) و یکی دو ستون و یک قطعه کتیبه کوفی آجری منقوش در مسجد جمعه که آن را هم از دوران دیلمیان می‌دانند اثر دیگری از آنها باقی نیست^۹ ولی مسلم است در دورانی که



علاء الدوله کاکویه بارو بر گرد اصفهان می‌کشیده و شهر را توسعه می‌داده‌اند و به قول ما فروخی هزار کوشک و سرای می‌ساختند و کاروانسراها و مساجد بزرگ بنا می‌کردند و بزرگانی چون صاحب بن عباد و شیخ رئیس ابوعلی سینا در آن شهر وزارت و مقام عالی علمی و معنوی داشته‌اند قطعاً اوقاف زیادی با این توسعه و پیشرفت شهر توأم بوده و مخصوصاً در اطراف میدان میر و کوچه نمکی فعلی اصفهان، مساجد، بقاع و تکیه‌ها در دوران دیلمیان ساخته و پرداخته شده که اوقاف زیادی بر آن مترتب بوده و به مرور زمان بعد از قرن‌ها از بین رفته است.

جابری انصاری معتقد است مسجد کمرزرین نزدیک محل میدان میر در دوران دیلمیان ساخته شده و آن میدان هم از مؤید الدوله و امیر فخر الدوله می‌باشد.^{۱۰}

در آثار مسجد جمعه نائین نیز طرح‌های دیلمیان دیده‌اند و پوپ تاریخ‌بندی آن را ۳۵۰ هجری می‌داند^{۱۱} در طرف شرقی تخت پولاد محلی که

«لسان الارض» خوانده می‌شود نیز بقایای بناهای قدیمی وجود دارد که به سبک عصر دیلمیان [بوده] است^{۱۲} همچنین برخی قصر چمبلان یا جمیلان را از آثار دیلمیان می‌دانند.

اوقاف در دوره سلطنت ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام‌الملک

نویسنده همچنین درباره اهمیت، موقعیت و ویژگی‌های وقف در عهد سلجوقی به ویژه دوره سلطنت ملکشاه و صدارت خواجه نظام‌الملک نوشته است: ایران و مخصوصاً اصفهان در دوران سلطان ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ ه.ق) و وزیر کاردان او خواجه نظام‌الملک به آبادانی و وسعت فوق العاده رسید، مساجد و ابنیه این دوره نمودار زیباترین و در عین حال ساده‌ترین صنایع معماری ایران است، پس از درگذشت الب ارسلان، ملکشاه اصفهان را پایتخت خود ساخت و این شهر با بنای قصور و عمارات و تعمیرات و ساختمان مساجد و ایجاد

باغ‌ها شهرت جهانی یافت^{۱۳} و پس از آن دوران تا مدت‌ها مسافرانی که اصفهان را دیده بودند با حافظ شیراز هم صدا شده و می‌گفته‌اند «زنده رود و باغ کاران یاد باد».

خواجه نظام الملک یعنی حسن بن علی بن اسحاق قریب سی سال وزارت داشت و سید الوزراء ایران بود و در این مدت نه فقط در اصفهان بلکه در بغداد، هرات، طوس و نیشابور و حتی در خواف نیز مساجد و مدارس و بقاع خیریه ساخت که نظامیه بغداد مشهورترین آنها است.

موقوفات خواجه نظام الملک بسیار بوده ولی با آن موقوفات همان عملی شد که نسبت به باغ مقبره او روا داشتند زیرا از وضع ساختمان مقبره او به خوبی معلوم است که بنای قدیمی نیست و باغ و محوطه وسیع اطراف مقبره را که قطعاً وقف بوده (و الا جسد چنان وزیری را در آنجا به خاک نمی‌سپردند) مانند بسیاری از املاک وقف دیگر قطعه قطعه مجزا و تصاحب کرده‌اند و از آن باغ بزرگ

و دلکشی که در محله «کران» (محل دارالبطیخ فعلی) وجود داشته و نهرهای آب از آن می‌گذشته و هندوشاه بن سنجر از طراوت و سرسبزی آن باغ خرم حکایت می‌کند و آنجا را مدرسه ملکشاهی می‌نامد، خبر و اثری باقی نمانده است.

از سایر موقوفات نظام الملک نیز اثری نیست زیرا کسانی که با قبر او چنان رفتار کرده‌اند که حتی حدس می‌زنند سنگ مدفن او را هم عوض کرده باشند معلوم است که با سایر اوقاف او چه عمل انجام داده‌اند. در اطراف کوچه نمکی و میدان قدیم اصفهان بناها و مدارس و مساجد زیادی از دوران سلجوقیان و زمان نظام الملک بوده که به کلی آنها را از میان برداشته و به جای آن خانه‌های شخصی و مستغلات ساخته‌اند چنانچه هم اکنون ساختمان مسجدی را واقع در کوچه نمکی و چهار سوی آن را که خراب شده به خواجه نظام الملک نسبت می‌دهند.

نظام الملک چهار پسر به نام



ابوالحسن علی بن اسحاق و احمد و محمد و ابونصر داشته که قطعاً در نگهداری اوقاف بعد از نظام الملک توجه می‌کرده‌اند اگر چه ابونصر کوچک‌ترین فرزند او در طفولیت مرده است ولی ابوالحسن فرزند ارشد او بوده است.

نظام الملک سه مدرسه ساخت یکی در بغداد و یکی در بصره [نیشابور] و یکی در اصفهان و قاضی ارجانی سال‌ها در نظامیه اصفهان تدریس می‌کرده است، حسین بن محمد بن ابی الرضاء آوی (در ۷۲۹ هجری) راجع به نظام الملک می‌گوید:

«در مدت ایام دولت روزگار او هر هفته و هر ماه محلتی یا کوچه یا بازاری یا بقعه خیری یا عمارتی از عمارات بر عادت اهل مقدورات و ارباب عمارات اعادت می‌نمود و در محل تحدید، تجدید را ارزانی می‌فرمود چنان که مدرسه که اکنون معمور و قائم است بنا فرمود نزدیک جامع بزرگ بر محلت دردشت بر وضعی و اصلی هر چه خوش و هیأتی و شکلی هر چه

مرغوب‌تر در غایت رفعت از جهت صنعت و عمل و نهایت رتبت از طرف منزلت و محل ... خرج بی پایان بی حد بر آن صرف و ضیاع بی شمار بی عدد بر آن وقف چنان که هر سال مبلغ ده هزار دینار محصول و مستغلات و موقوفات بوده و اکنون آن را به کلی مستأکله ربنوده»^{۱۴}.

همچنین نویسنده فوق‌الذکر درباره مسجد عتیق اصفهان می‌نویسد:

«ومنضم و مضاف با آن چندین خانقاه مشهور رفیع و کاروانسراهای معمور منبع وقف بر ابناء سیبل از غربا و مساکین و فقرا و محاذی آن کتب خانه و حجره‌ها و خزانه‌های آن که استاد رئیس ابوالعباس احمد ضبی بنا کرده بود و عیون کتب نامحصور در آن منضد گردانیده و فنون علوم مشهور مخلد گذاشته موقوف و مخیر بر فضلاء زمان سالف و ادباء اوان غابر، فهرست آن مشتمل بر سه مجلد بزرگ حجم از مصنفات در اسرار تفاسیر و غرائب احادیث و از مؤلفات نحوی و لغوی و مرکبات تصریف ابنیه و مدونات غر

اشعار و درر اخبار و ملتقطات سنن انبیاء و خلفا و سیر ملوک و امرا و مجموعه‌های اوایل از منطق و ریاضی و طبیعی و الهی و غیر آن از آنچه طالب فضل و راغب در تمیز میان علم و جهل بدان محتاج باشد»^{۱۵}.

محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی ضمن توصیف مسجد جامع عتیق اصفهان درباره شبستان آن می‌نویسد: «شبستان خواجه نظام الملک به وضع غریب و در استحکام مبالغه رفته است و اصلاً تا کنون خللی به آن راه نیافته است»^{۱۶}.

اما بیشترین مطالب و مباحث کتاب درباره وضعیت، ویژگی‌ها و مسایل وقفی مربوط به عصر صفویه است که در ابتدا به موضوع: «میزان عواید اوقاف پرداخته و بیشتر با استناد به متونی چون سفرنامه‌ها و یا منابع تاریخی فارسی آن دوره به این موضوع اشاره نموده است. که در این مورد می‌توان استفاده قابل توجه از سفرنامه شاردن و تاورنیه و یا توارینخی مانند تاریخ عالم آرای عباسی را ذکر کرد.

مؤلف اثر در تعریف اوقاف در زمان صفویه از نوشته شاردن کمک گرفته و آورده است: شاردن شیوه خیرات و میرات زمان صفویه را این طور تعریف می‌کند، نخست کاروانسرای بنا و آن را وقف سکونت رایگان و ابن السبیل می‌کنند، سپس گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغ بزرگی پدید می‌آورند و آنها را باجاره وا می‌گذارند و بعداً مدرسه‌ای بنا می‌نمایند و مال الاجاره ابنیه مذکور را وقف آن می‌کنند، بانیان مدارس، معمولاً متصدیان عایدات موقوفه منضمه به شمار می‌روند و آنان را ایرانیان، متولی نامند که یک اصطلاح عربی و مقصود شخصی است که تصدی اداره مؤسسه‌ای را به عهده خویش داشته باشد و مطابق فابریسیه FAVRICIER (عضو شورای اداره اموال کلیسا) است^{۱۷}، تعیین مدیر و معلمین مدارس با متولی می‌باشد و قبول طلاب شبانه‌روزی نیز به اختیار مدیر مدرسه است پس از مرگ بانی مؤسسه، جانشین وی تخت متولی را اشغال می‌کند و هنگامی که اموال و دارایی بانی به نفع



شاه مصادره نمود زعیم بزرگ روحانی مملکت که صدر خوانده می‌شود، قیم و وکیل مدرسه می‌گردد. نکته شایان تذکر در این موضوع آن است که بانیان چنین موقوفات، دیگر مالک آن به شمار نمی‌روند و عایدات این املاک متعلق به مدرسه می‌باشد.

سپینتا از قول جلال الدین محمد یزدی منجم باشی شاه عباس در سال ۱۰۱۷ هجری می‌نویسد:

«هر سال شش هزار تومان از طریق اوقاف به مستحقین داده می‌شده است و از موقوفات حضرات معصومین علیهم‌السلام، روز به روز در تزايد است».^{۱۸}

پس از آن به نیت خیر واقف در وقف آثار اشاره نموده و تحت عنوان: «عمل وقف بدون تظاهر انجام می‌گرفته است» می‌نویسد:

«در قدیم اغلب بناها و مستغلاتی که وقف شده صرفاً برای ثواب اخروی و یا به منظور حفظ آن از تجاوز دیوانی بوده و اگر قسمتی از وقفنامه‌ها بر الواح سنگی منقور و در مساجد و مدارس و سایر نقاط نصب شده، از

بیم تجاوز و از بین بردن وقف بعد از زمان وقف کنندگان بوده است حتی کسانی بوده‌اند که بدون ذکر نام خود در تعمیر مساجد کوشیده‌اند مانند تعمیر کننده مسجد محله نو اصفهان که از آثار صفوی است و بر کتیبه بالای محراب آن مسجد چنین خوانده می‌شود «سعادت‌مندی از سلاله دودمان جناب مصطفوی اقدام در تعمیر و بناهای این مسجد نمود و متوقع است از شیعیان حضرت مرتضوی که او را به سوره توحید و دعای خیر یاد کنند» اعم از آن که نام تعمیر کننده شاید مصطفوی یا مرتضوی بوده ولی برخلاف بسیاری که نام چندین پشت پدران خود را در کتیبه‌ها ذکر کرده‌اند تظاهری در اینجا نشده است. کسانی هم بوده‌اند که برای هر کس در مسجد یا کاروانسرای که آنها جزئی تعمیر آنجا کرده‌اند برای آنها دعای خیر نکند، لعنت و نفرین روا داشته‌اند و با این دعای اجباری و زوری خواسته‌اند خود خواهی خودشان را نشان داده باشند از جمله بر دیوار کاروانسرای

مورچه خوار (مورچه خورت) بنای شاه عباس کبیر کتیبه‌ای از زمان محمد شاه قاجار با تاریخ ۱۲۵۱ هـ. ق به این مضمون باقی مانده است «به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود کسی که طلب مغفرت از برای نایب السلطنه مرحوم نفرستد و دعا به دولت قبله عالم نکند»^{۱۹}.

اوقاف در زمان شاه طهماسب صفوی

مرحوم سپنتا با توجه به موضوع موقوفات قبل از شاه عباس اول یعنی در دوران شاه طهماسب اول آورده است:

شاه طهماسب صفوی در اوایل شرح زندگی خود می‌نویسد: «منصب صدارت را به میرجمال الدین استرآبادی و میرقوام الدین نقیب اصفهانی دادم که چون منصب عالی است با یکدیگر به راه روند چرا که منصب بزرگ است و مبلغ‌های کلی می‌شود که می‌باید به مستحقان برسد و خود بهر ایام به مداخل و مخارج آن می‌رسیدم که مباد

العیاذبالله اگر اندک تقصیری واقع شود و در این امر موجب عقاب و مستحق عذاب الیم شوند و خواجه جلال الدین محمد بنا بر بعضی قبایح که از او صادر شده بود، مؤاخذ گشت و آخر سوختندش و در جای دیگر می‌نویسد: «سید زین العابدین مرد متقی و عالم است تولیت امامزاده واجب التعظیم و التکریم امامزاده حسین بن سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام با نقیب الاشرافی به او ارزانی داشتیم»^{۲۰}.

به طوری که از نوشته خود شاه طهماسب بر می‌آید امر صدارت را بسیار بزرگ و مقام شامخی می‌دانسته و به حساب اوقاف شخصاً رسیدگی می‌کرده تا غفلتی رخ ندهد و سعی می‌کرده است اشخاص درستکار و عالم به سمت تولیت گماشته شوند و در صورت سوء استفاده و غفلت در امر اوقاف آنها را به مجازات‌های سخت می‌کشانده است. و برای رسیدگی به این موضوع مسوولین امر را در حضور خود وادار به بحث و مذاکره در اطراف مسایل مورد اختلاف می‌ساخته است



چنان که درباره شیخ علی عبدالعالی و میرغیاث الدین منصور صدر به همین منوال رفتار کرد.

شاه عباس اول و وقف مایملک

با سلطنت شاه عباس اول به ویژه انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت اقدامات سران صفوی از جمله شاه عباس در مورد اوقاف بسیار قابل توجه است به طوری که نویسنده کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» در عنوانی از اثر تحت: «شاه عباس کلیه مایملک خود را وقف کرده» آورده است:

شاه عباس در سال ۱۰۱۵ ه.ق که بیست و یکمین سال سلطنت او بود به قول اسکندر بیک ترکمان کلیه املاک و رقیبات خاصه خود را که در تصرف داشت با عمارات و قیصریه ۲۱ و چهار بازار در میدان نقش جهان و حمام‌های شاهی، وقف چهارده معصوم نمود و تولید وقف مزبور را مادام الحیات به خود و بعد از آن به پادشاهان آینده تفویض کرد و وقفنامه مربوطه را شیخ بهاء الدین محمد (شیخ بهایی) نوشت

و به قول جلال الدین محمد یزدی منجم باشی صدارت اوقاف را شاه به میر جلال الدین حسن تفویض کرد، عالم آراء راجع به تقسیم عواید این موقوفات عیناً چنین می نویسد:

«اقل حاصل را منظور داشته چهارده حصه کردند بدین طریق که اول از ثانی و ثانی از ثالث و ثالث از رابع زیاده بوده باشد و همچنین تا چهاردهم این تفصیل و ترجیح منظور داشتند که حصه اول مخصوص حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و حصه چهاردهم به ترتیب مخصوص حضرت صاحب الامر علیه السلام باشد و آنچه به هر یک از حضرات اختصاص یافت چند محل را که حاصل آن بعد از وضع مؤونات زراعت موازی آن مبلغ تواند بود مخصوص آن حضرت ساختند شرایط این وقف در وقفنامه مزبور مسطور بوده و صارف مصروفی اوقاف مذکور را برای متولی منظور گردانیدند. بعد از وضع حق التولیه به مصلحت وقت و اقتضاء روزگار در مصارف هر سه کار و وجه معاش خدمه و

مجاورین و زوار و ارباب فضل و کمال و صلحاء و نقبا و طلبه علوم هر محل و آنچه رأی متولی اقتضاء نماید صرف کنند»^{۲۲}.

شاه عباس به اعتماد السلطنه حاتم بیگ و میرزا رضی صدر در اصفهان دستور داد چهارده مهر به اسم چهارده معصوم علیهم السلام تهیه کنند و آن مهرها را به میرزا رضی صدر سپرد تا کلیه داد و ستدهای اوقافی با آن مهرها ممهور شود، شاه عباس مخصوصاً اصرار داشت که هیچ یک از املاک و اراضی و خانه‌ها و سایر ممالک او از وقف خارج نماند و می‌گفته است:

«جمیع اشیاء سر کار من و آنچه اطلاق مالیت بر آن توان کرد حتی این دو انگشتی که در دست دارم وقف است لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب‌نمای اشرف که متولی آنها است اقتضا نماید در راه دین و دولت صرف نمایند»^{۲۳}.

شاه عباس کلیه کتاب‌های عربی و مذهبی موجود در کتابخانه سلطنتی را وقف آستانه مشهد نمود و به آنجا

فرستاد و مقداری کتاب فارسی از تاریخ و دواوین و مصنفات مختلفه را با کلیه ظروف چینی عبارت از «لنگری‌های بزرگ فغفوری و مرتبان‌ها و بادیه‌ها و ظروف دیگر غوری و فغفوری که در چینی خانه موجود بود»^{۲۴} وقف آستانه شیخ صفی در اردبیل کرده بدان جا فرستاد.

شاه عباس جواهرها و اشیاء مرصع و ظروف طلا و نقره و اسبان و اغنام و مواشی خود را نیز وقف کرد و برای هر یک مصرفی معین نمود. در توصیف آن، عالم آراء عیناً چنین می‌گوید:

«ایلخی‌های اسبان تازی اشقرنژاد و پاک‌نژادان رومی و بیاتی و گرجی، الشرهای بادپای حصار و بدخشی و ماوراء النهری که در سر کار هیچ پادشاه ذیجاهی چنین فراهم نیامده و گله‌های شتر و مواشی و اغنام که از احصاء و شماره افزون از دایره تفکر و اوهام بیرون است وقف فرمود. جهت هر یک مصرفی معین فرموده است و چون قیمت کل اشیاء متملکات همایون اعلی



که رقم وقفیت بر آن کشیده‌اند زیاد از آن بود که مقومان صاحب بصارت مدقق تشخیص توانند داد یا اندیشه فکرت پیشه به تخمین و قیاس آن جرأت تواند نمود. بنابراین زبان قلم از اظهار آن خاموشی گزید» ولی درباره املاک و رقبات که شاه عباس وقف کرد، عالم آرای عباسی قیمت عادلانه آنها را بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل و عواید آنها را بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل و عواید آنها را (بعد از وضع مؤونات زراعت به تسعیر وسط) قریب به هفت هزار تومان می‌شمارد^{۲۵}.

معرفی موقوفات شاه عباس اول صفوی

فهرستی از موقوفات شاه عباس اول نیز از جمله مطالب اثر است که در آن مواردی از آن ذکر شده که مناسبت دارد در اینجا ذکر گردد.

جلال الدین محمد یزدی، منجم باشی شاه عباس موقوفات مذهبی شاه عباس را به این طریق ثبت کرده

است: ۲۶

«وقف حضرت رسالت پناه محمدی (صلوات الله و سلام علیه) که ثوابش از ثواب جنت مکان شاه طهماسب است از بابت مستغلات قزوین و کاشان و اصفهان و بعضی از محال اصفهان، ۱۵۴۹ تومان.

وقف حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که ثوابش از نواب علین آشیانی شاه اسمعیل ماضی است، از بابت محصولات قزوین و کاشان و بعضی محال اصفهان، ۱۰۰۰ تومان.

وقف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که نصف ثواب آن از نواب علیه عالیه و نصفی از بلقیس الزمانی جنت مکانی والده نواب کلب آستان علی است، از بابت حاصل نطنز و جوشقان و اصفهان، ۵۰۰ تومان.

وقف حضرت سید مجتبی علیه السلام، ثوابش از نواب شهید مقتول سلطان حسن میرزا را در کلب آستان علی، از بابت حاصل محال اصفهان، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام شهید امام

حسین علیه السلام، ثوابش از نواب سعید سلطان حمزه میرزا برادر عیانی نواب کلب آستان علی، از بابت موقوفات محمود آباد برخوار سایر محال اصفهان، ۱۰۰۰ تومان.

وقف حضرت امام زین العابدین علیه السلام، ثوابش از نواب سکندرشان سلطان محمد والد نواب کلب آستان علی، از بابت حاصل وقفی اصفهان، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام محمدباقر علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد قطب الاولیاء صفی الاصفیاء شاه صفی، به شرط آن که به شاه جنت مکانی خیانت و بدی نکرده باشند، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد شاه صفی به شرط عدم خیانت به شاه جنت مکانی، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد شاه صفی به شرط عدم خیانت با نواب جنت مکانی از بابت حاصل موقوفات اصفهان، ۳۷۵ تومان.

وقف حضرت امام ثامن ضامن، امام رضا علیه السلام، و ثوابش از نواب جنت مکانیست از بابت حاصل موقوفات محال خراسان، ۷۰۰ تومان.

وقف حضرت امام محمد تقی علیه السلام، و ثوابش از اولاد شاه صفی، از موقوفات اصفهان، ۳۷۵ تومان.

در قسمتی دیگر از این اثر یعنی کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، بناهای خیر موقوفات دوران شاه عباس اول صفوی مورد بررسی قرار گرفته است و مرحوم سپنتا در اینجا نیز با استناد به منافع متعدد به این آثار اشاره کرده که جهت مطالعه وقف در عصر صفوی می تواند حایز اهمیت باشد در این رابطه آمده است:

فهرستی از بناهای خیر شاه عباس اول

به طوری که گفتیم شاه عباس کلیه املاک و اموال خود را وقف کرد و امور خیر دیگری نیز انجام داده که در تاریخ ضبط است ولی متأسفانه بسیاری از آنها امروز وجود ندارد و فقط با



شنیدن و خواندن نام آن ابنیه عظیم که باقیمانده، می‌توانیم خود را دلخوش داریم. از جمله:

۱. صحن آستانه مشهد را توسعه داد و اطراف آن ایوان‌ها و عمارات احداث و تزیین و نقاشی کرد.
۲. در مقابل صحن، خیابانی احداث و نهر کشید و در داخل صحن حوض ایجاد کرد.
۳. گنبد خواجه ربیع الخیثم را در خارج شهر مشهد برپا داشت.
۴. قدمگاه شاهپور کسری و ایوان‌ها و عمارات متصله و حوضی که آب از کوه به فواره می‌ریزد و خیابان آنجا را احداث و درختان غرس کرد.
۵. در اردبیل: عمارات آستانه شیخ صفی‌الدین و محجر طلای صفا مقابل آرامگاه و محجر نقره و سایر زینت‌ها و تجدید عمارت مقبره شیخ زاهد گیلانی و عمارت شیخ شهاب‌الدین اهری.
۶. در اصفهان: مسجد شاه [امام] در میدان شاه [امام]، و مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه دارالشفاء، حمام‌ها و قیصریه و بازار دور میدان و بالاخانه‌ها و کاروانسراها و عمارت پنج طبقه دولت‌خانه، خلوت‌خانه‌های زرنگار موسوم به سروستان، نگارستان گلدسته، عمارت پنج طبقه، و حوض‌خانه‌ها و خیابان چهارباغ و باغ‌های در دو طرف خیابان، عمارات عالی که در هر باغ ساخته شده بوده است، پل چهل چشمه روی زاینده رود شهر عباس آباد (برای سکونت تبریزیان)، باغ کومه، باغ وحش، رباط، گاوخانی، رباط در بیابان خرگوشی ما بین ورزنه و دیدشتن و ندوشن یزد.
۷. در قزوین: درگاه دولت‌خانه و خلوت‌خانه دو طبقه زرنگار موسوم به عمارت نو و کاروانسرای عالی و عمارت جهان‌نما واقع در شرق و غرب میدان سعادت.
۸. در کاشان: منازل و دولت‌خانه مشتمل بر چند عمارت با باغ‌ها و حمام و کاروانسرا و بند قهرود و رباط سنگین و رباط سیاه کوه و

فرش راه نمکسار و سیاه کوه که قریب ده هزار تومان در آن عصر صرف آنجا شده و چند فرسنگ با سنگ و آهک محکم کاری شده است.

۹. در مازندران: احداث فرح آباد در کنار دریا که رودخانه تجینه از آن میان می‌گذرد و پل و خیابان که آن خطه را به ساری وصل می‌کند و عمارات در هر باغ ساخته شده، دولت‌خانه و بازار و حمام‌ها و باغ‌ها، در ساری و آمل و دریاچه و عمارت بار فروش و در اشرف‌خانه‌ها و باغ و چشمه و حوض‌خانه که در بالاخانه عمارات آنجا ساخته شده و آب را به ارتفاع بالا برده به حوض نقره می‌ریخته‌اند و باغ‌ها و حمام‌ها و عمارات دیگر در نیم فرسنگی قصبه مزبور موسوم به «باغات» مشتمل بر تالارها و ایوان‌ها و دریاچه و فواره‌ها و حمام و باغچه.

۱۰. از اصفهان تا قصبه اشرف در محل چهار فرسنگی عمارتی مشتمل بر خانه‌های نشیمن و بیوتات و

باغچه‌ها ساخت که اکثر حمام دارد و شاه در مسافرت‌های خود از آنها استفاده می‌کرده است.

۱۱. در استرآباد، عمارت دولت‌خانه.
۱۲. در نطنز باغ تاج آباد با عمارات و بالاخانه‌ها و حمام و غیره.
۱۳. باغ عباس آباد ما بین نطنز و کاشان.
۱۴. در تبریز: عمارت آرامگاه عین علی و زین علی و تجدید بنای مسجد شاه.

۱۵. نزدیک همدان - شهر نوچمچال -، پای کوه بیستون رباطی جهت استفاده زوار کربلا.

این بود شمه‌ای از آثار و ابنیه شاه عباس که اکثر آنها را جزو موقوفات خود قرار داده بوده است^{۲۷}.

سرجان ملکم می‌گوید «آبادی و استحکام ایران در هیچ یک از سوابق ازمان و سواف ایام به قدر اواخر عهد شاه عباس بزرگ نبوده است»^{۲۸}.

در زمان شاه عباس محلی به نام دارالشفاء در جوار بازار اصفهان وجود داشته است، شاه عباس کبیر این دارالشفاء و کاروانسرای مسکران را



با هم بنا نمود که عایدات کاروانسرا صرف بیمارستان شود، در این شفاخانه یا دارالشفا تجویزات طبیب و مخارج دارو و غذای بیماران از عواید موقوفات بوده است^{۲۹} که اکنون قسمتی از ویرانه آن (دارالشفا) به صورت مسجدی کوچک به نام دارالشفا معروف است^{۳۰}. جابری انصاری پس از شرح مساجد و مدارس و موقوفات مهم صفویه می‌نویسد:

«بعد از صفویه که عباس آباد و مستهلک و چرخاب و صالح آباد و اطراف چهارباغ کهنه و نو، همه خانه بوده، مساجد و مدارس و تکایا بسیار داشته، در فتنه افغان و غضب نادر و درآمد و شد زندیه و بختیاریه و قاجاریه و قحطی‌ها و سختی‌های دوره آقا محمد خان و غیره همه از میان رفته و بس نامش مانده، دو مدرسه به زبان‌ها مشهور بود یکی از خانم و دیگری از دده، آثار هر دو محو شده و در محله خواجه مسجد خرابه ای است به مساحت دو جریب و کسری آثار قدیمه دارد. مساجد غیر مهمه دیگر هم

چه از عهد صفوی و قبل از آن چه بعد هست که به اسم اکتفاء می‌کنیم».

جابری اسامی تعدادی از مساجد را می‌برد که جز نام از آن مساجد امروز چیزی در دست نیست^{۳۱}.

در مسجد شاه [امام] اصفهان سنگی نصب است که بر بالای آن فقط جمله: «بسم الله الرحمن الرحیم» باقی مانده می‌گویند و قفنامه موقوفات مسجد شاه [امام] بر آن سنگ منقور بوده و بعداً محو کرده‌اند. جابری انصاری درباره این سنگ می‌نویسد: نام موقوفات مسجد شاه [امام] که نادر گفت در رقبه دولتی بنویسند ممیز است ولی پس از نادر هم بسیاری از آن موقوفات مورد دخالت قرار گرفت بلکه از غیر موقوفه نیز به عنوان صرف روشنایی آنجا و جوهری سالیانه می‌گرفته‌اند^{۳۲}.

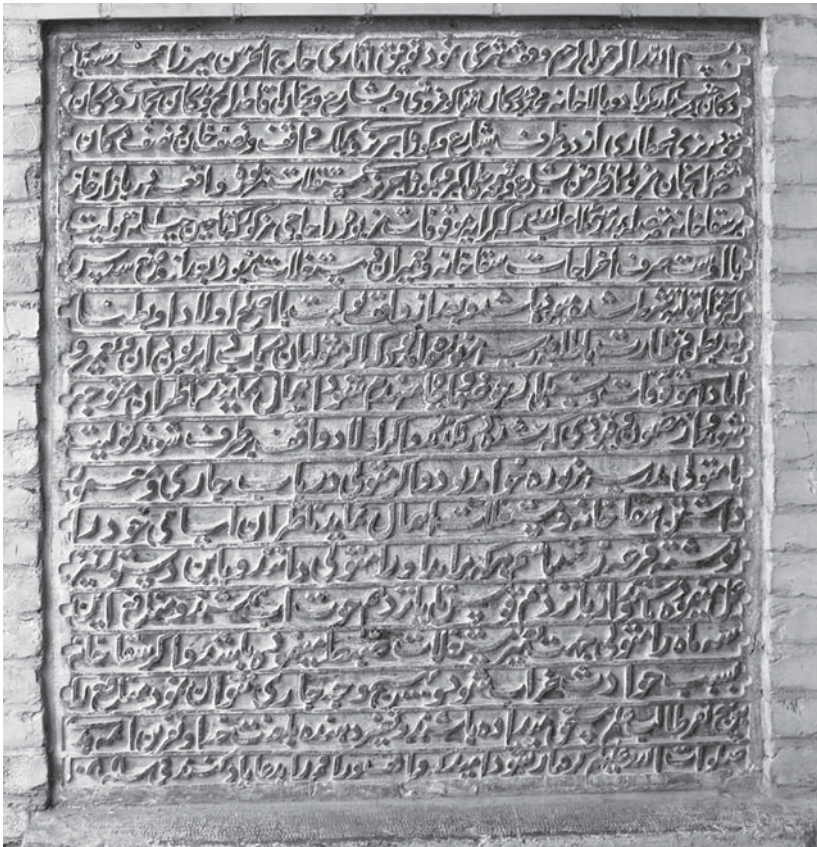
در این اثر [تاریخچه اوقاف اصفهان] به اسناد وقفی دیگری از زمان صفویه به ویژه در شهر اصفهان و اطراف آن اشاره رفته است از جمله می‌توان به وقف آب، کاروانسرا و محتوا و مندرجات بسیاری از قفنامه‌ها اشاره

نمود. از جمله: رونوشت منسوب به وقفنامه مسجد امام [مسجد شاه سابق]، وقفنامه مدرسه نوریه، وقفنامه مدرسه مریم بیگم، وقفنامه مدرسه سلطانی (چهارباغ)

در اصفهان غیر از موقوفات زیادی که بر مساجد و مدارس و سایر ابنیه و اماکن عام المنفعه اختصاص دارد، وقفنامه‌های بسیاری نیز در خانواده‌ها

ثبت موقوفات متفرقه بر لوحه‌های سنگی و کاشی

از جمله موارد قابل توجه در این



وقفنامه مدرسه ملاعبدالله



و اداره اوقاف و بر لوحه‌های سنگی که در مدارس و مساجد نصب است وجود دارد که نشان می‌دهد موقوفات این بناها تا چه اندازه زیاد بوده است. ذکر تمام این وقفنامه‌ها حتی اگر بنخواهیم فهرستی هم از آن تهیه کنیم بسیار مفصل خواهد شد بنابراین فقط به چند فقره اکتفا می‌کنیم:

۱. وقف چهار سو مقصود [که در] چهار جریب زمین ساخته شده بوده است که از سال ۱۳۲۰ به بعد جزو خانه‌های اشخاص قرار گرفته است.
۲. وقف مدرسه ملا عبدالله (از دوره شاه عباس کبیر و تزیین از شاه سلیمان در ۱۰۸۸ ه.ق) که طبق کتیبه سنگی زیر طاق جنوبی مدرسه مورخ به سال ۱۰۸۸ ه.ق واقف حاجی میرزا محمد است.
۳. وقف مسجد سرخی (مسجد سفره چی) از خلف بیک سفره چی شاه عباس اول، توسط رکن الملک (که خود را از نژاد بانی مسجد می‌دانسته) ۳۳ است.
۴. وقف بر مسجد علیقلی آقا (معاصر

شاه سلیمان)، موقوفات چهار سو علیقلی آقا، سرای علیقلی آقا، حمام علیقلی آقا.

۵. موقوفات مدرسه مریم بیگم (از مریم بیگم دختر شاه صفی)
۶. وقف بر مسجد علی اکبر (نزدیک سینه پایینی)، حمام علی اکبر ۳۴ در تبریز و بسطام و قزوین نیز موقوفاتی داشته است.
۷. وقف بر مدرسه نوریه در زمان شاه سلیمان، کبوتر آباد برآن با دکاکین و غیره‌ها (موقوفات خواجه جلال الدوله بوده است و میرزا نور الدین محمد جابر انصاری مجدداً وقفنامه‌ای بر آن تنظیم کرد).
۸. وقف بر مدرسه شاهزاده‌ها (بنای شهربانو دختر شاه سلطان حسین)، حمام شاهزاده‌ها.
۹. وقف بر مدرسه ترک‌ها (بنای عصر آقا قوینلو) در زمان قاجاریه که حاجی محمد ابراهیم تاجر تعمیر و موقوفاتی بر آن مدرسه معین کرد ۳۵.
۱۰. وقف بر مدرسه الماسیه (بنای حاجی الماس از غلامان دربار



واقع شده‌اند، مساجد و مدارس اصفهان می‌باشد که تبیین آن نشانگر اعتنای قابل توجه به وقف خصوصاً در جهات مقدس آن در عصر صفویه است. وسعت پایتخت صفویان و وجود اماکن مذهبی و علمی و توسعه آن و دارا بودن پشته‌های وقفی قابل توجه است و در حقیقت این کتیبه‌ها که خوشبختانه هنوز با گذشت چندین قرن تعداد آنها کم نیست، تأثیر گذاری وقف را در آن دوره نشان می‌دهد که در اینجا به مواردی اشاره می‌گردد:

کتیبه‌هایی مبنی بر وقف در مساجد اصفهان

برای آن که از چند کتیبه سنگی حاکی از وقف که در دوره‌های مختلف بر دیوار مساجد اصفهان نصب شده ذکر کرده باشیم به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. در مسجد قطبیه که در زمان شاه طهماسب اول به وسیله امیر قطب الدین علی باب الدشتی بنا شده (۵۹۰ هـ) کتیبه‌ای به این مضمون

صفویه)، سرای الماسیه و چهار سو الماسیه که وقفنامه این مدرسه مورخ به سال ۱۱۰۴ هـ.ق موجود است^{۳۶}.
۱۱. وقف بر مدرسه میرزا حسین (از عصر شاه سلیمان در بازار بید آباد)، وقف کننده عزت نسا خانم دختر میرزا خانان تاجر قمی زن میرزا محمد مهدی که وقفنامه‌ای در سال ۱۱۰۴ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ هـ.ق برای آن مدرسه نوشته شده است^{۳۷}.

۱۲. وقف بر مدرسه نم آورد (نیم آورد) و مدرسه کاسه گران (در زمان شاه سلطان حسین به وسیله حکیم الملک اردستانی و زنش زینب بیگم که در سال ۱۱۱۷ ساخته شده) در اردستان.

می‌نویسند حکیم الملک در هند دختر اورنگ زیب را معالجه کرد و زر و جواهر زیاد به او و زنش دادند، چون به اصفهان برگشت دو مدرسه مزبور را ساخت و معادل مصارف آن دو املاک و مستغلات خریده را وقف کرد^{۳۸}.

یکی از مهم‌ترین و قابل ملاحظه‌ترین مکان‌هایی که در آن کتیبه‌های وقفی

موجود است:

«چون توفیق الهی رفیق حال و کامل اقل العباد قطب الدین باب الدشتی شده خواست که از برای يوم المعاد ذخیره مائده احسان نماید که از خان (خوان) انعام او مستحقین بهره مند گردند بنابراین مزیت رقبات معینه را وقف نمود که از حاصل و نماء آن حقوق یک نفر قاری داده شود که تمام ایام به تلاوت کلام ملک علام اشتغال نماید از جهت واقف و تتمه به اطعام فقرا و مساکین و مترددین در آن صرف نمایند. مقرر آن که به علت رسم الصدراة و توزیعات و رقعات وقفی و مدد خرج نواب دیوان الصدراة و غیر هم طلبی از موقوفات مزبوره ننمایند و زیاده از یک سال به اجاره ندهند نه به عقیده واحد و نه به عقود متعدده فمّن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم».

۲. بر بالای کتیبه سر در مسجد ذوالفقار که در زمان شاه طهماسب اول شیخ محمد صفی در سال ۹۵۰

هـ.ق ساخته چنین خوانده می‌شود: «..وقف شرعی نمود عالیجناب حاجی الحرمین الشریفین سید السادات حاج میرزا اسدالله همگی دو باب دکان قصابی و نوار ... فروشی در جنب مسجد ذوالفقار»
 ۳. در مسجد طوقچی کتیبه‌ای بوده که با تاریخ ۱۰۴۴ که برای محافظت به دیوار جنوبی محل تالار اشرف فعلی انتقال داده شده و روی آن چنین خوانده می‌شود: «در زمان ... شاه صفی الحسینی ... حاجی یار بیک صباغ ... احداث مسجدی ... نموده بود به اتمام رسانید واقع در جنب شارع درب طوقچی و به ضلع شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه الله وقف نمود بر مسجد مزبور همگی و تمامی چهار درب دکان که یکی بقالیست و همه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه درست مقابل مسجد مزبور به ضلع غربی که در وقفنامه ثبت است همگی و جملگی یک باب خانه معینه واقعه در جنب مسجد مزبور

و همگی تمام یک درب خانه واقع در سکه «باب التبریزیه» مشهور به خانه فتح الله نساج به حدودی که در وقفنامه مسطور است و همگی و تمامی اعیان و عمارت دو دکان معینه یکی صباغی و یکی علافی که واقف مزبور خود احداث نموده در عرصه معینه که وقف است بر مزار کثیر الانوار سلطان اسد بن جنید متصل به یکدیگر واقع در محل طوقچی مزبور به حدی که در وقفنامه مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد مزبور و مزار مذکور و در وقفنامه شرط نموده که آنچه به علت نفع و اجاره عرصه مزبور و اعیان و اشیاء مذکور به هم رسد، منقسم بده قسمت نموده سه قسمت آن را صرف تعمیر و روشنایی مزار سلطان اسد مزبور نموده تتمه را صرف تعمیر و روشنایی و غیره مسجد مزبور نمایند به شروط واقف (در حاشیه) چون تولیت موقوفات مزبور مادام الحیات

متعلق به واقف مشارالیه و بعد از آن اولاد او و بعد از دیوان الصداره و ناظر آن و متصدیان واقف اجاره نمود ساله نموده بود خانه باب التبریزیه را به جهت سکناى اولاد خود مشروط به آن که بعد از اخراجات تعمیر خانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و روشنایی مسجد مزبور نماید باز به همین دستور تولیت خانه مزبور متعلق است به اولاد واقف مشارالیه که بعد از تعمیر خانه مزبور آنچه زائد باشد به شرط واقف صرف تعمیر فرش و روشنایی مسجد مزبور نمایند تغییر دهنده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار باد».

۴. در مدرسه شفیعیه اصفهان (از بناهای زمان شاه عباس ثانی در محله دردشت که به وسیله محمد شفیع اصفهانی در سال ۱۰۶۷ هـ ق ساخته شده است) در مدخل ایوان بزرگ جنوبی وقفنامه‌ای است بر دو لوح سنگی که قسمت‌های مهم آن به شرح ذیل است:

وقف نمود ... محمد شفیع ابن جمال الدین محمد خوزانی اصفهانی کل این مدرسه حقیر محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوط به آن که بیوتات سطوره مشتمل است بر سه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آن و غسلخانه مربوط به مدرسه و فضای دیگر که کر و چاه و مستراح در آن واقع است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره و این چهار صغه و شبستان متصله به کریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مومنینی در غسلخانه مزبوره و طلب علوم دینیه در مساجد و مدرسه و بیوتات مزبوره نمایند و قفاً صحیحاً دائماً شرعياً و بعد ذلک وقف نمود قربه الی الله تعالی کفاره لبعض سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف به عنوان ملکیت بلامنزعی در تصرف شرعی واقف بود از رقبات و عقارات که عبارت

است از هفت حبه و یک دانگ و نیم، یک حبه از کل هفتاد و دو حبه قریه معروف به محمد آباد قهاب و قاطبت، سه حبه و نیم از کل هفتاد و دو حبه موضع طاد لنجان و موازی شش سهم و چهار دانگ، یک سهم از جمله بیست و پنج سهم که بیست و پنج سهم عبارت است از چهار حبه از کل هفتاد و دو حبه قریه و سفاباد ماربین و کلیت شش سهم و چهار دانگ و نیم از جمله بیست و پنج سهم که بیست و پنج سهم عبارت است از کل سه حبه از هفتاد و دو حبه موضع امین آباد ماربین و تمامت سه حبه و دو دانگ و یک... شعیر از جمله یک حبه دیگر از کل هفتاد و دو حبه موضع کنگاز (جی) و همگی هفتاد و دو حبه تیمچه معینه مربوطه ... ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور و واقع ...»^{۳۹}.

۵. در مدرسه شفیعیه اصفهان بر ایوان جنوبی، لوحی نصب است که بر آن بقیه لوح قبلی نقر شده:

«ماه مبارک رمضان که همه ساله در

مدرسه مزبوره روضه الشهداء خوانده شود از رعایت قاری و اسراج و لوازم آن به همه جهت آنچه کرده شده شود.

... از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات و تنقیه قنوات و مرمت مستغلات وقفی و مسجد و مدرسه و غسلخانه مربوطه به مدرسه و بام اندود و تجدید بوری و مئونات زراعت ... و تکلفاتی که به حکام جور و عمال دیوانی و غیره در کار باشد و متضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هر گاه آن تکلف به عمل نیاید ضرری به موقوفات یا حاصل آن رسد یا امری به خلاف شرط واقف به عمل آید یا چیزی نزد مستأجران و زارعین وقف باقی ماند و ضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در کار و ضرر نموده باشد در مساجد و کریاس و دهلیز هر شب چراغ روشن کرده بعد از وضع اخراجات مزبور به ترتیبی که مذکور شده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه ساکنین حجرات

و بیوتات جنب مدرسه به شرط آن که طلبه مشغول به طلب علوم دینی باشد و بیکار نباشند فراخور استحقاق و صلاح و تقوی و فضل هر یک قسمت نمایند و همچنین شرط نمود که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و زیاده از سه سال به اجاره ندهند نه به عقدی واحد و نه به عقود متعدده و احدی از ارباب و حکام و ارباب مناصب دیوانی و ملازمان امراء و مقربان پادشاه و الاجاه عصر را مالک انتفاع از آنها نسازند به واسطه ... موقوفات را اصلاً به جهت ساکنین بیوتات و خانه و سکنی نمودن در آنها ... در مدرسه مدون سازند ... مزبوره بنای عمارت نکنند و به همین سنه و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت نمایند ... سنه تسع و ستین بعد الف من هجره النبویه کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی»

۶. در مسجد حاجی منوچهر (واقع در محله خواجوی اصفهان) در بالای سر کتیبه‌ای به این مضمون وجود دارد:

«در زمان ... شاه عباس ثانی صفوی الحسینی بهادرخان ... ابداً احیا نمود این مسجد را فی سبیل الله حاجی منوچهر و وقف مسجد نمود یک دکان بقالی، یک دکان نانوايي و یک دکان علافی که مجموع سه جسم بوده باشد و کرایه آنها را صرف روشنایی و ضروریات دیگر نموده و طمع کننده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان سنه ۱۰۷۲».

۷. در مسجد جمعه اصفهان بر دیوار مقابل در قدیمی شبستان اولجایتو بر لوح سنگی چنین خوانده می‌شود: «وقف شرعی نمود آقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی یک باب خانه معینه واقعه در محله تحت الشارح که به موجب وقفنامه علیحده وقف نموده (تولیت با میرزاخان ابن آقا رضا شوشتری) بر اولاد خود و غیره از جماعت مفصله ذیل بدین موجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمد کاظم و رجبعلی برادران واقف ثلث اولاد مسلمانان

صفیه بانو و کشور جان همشیره‌های واقف ثلث و شرط خدمه مسجد جامع قدیم اصفهان نمایند که صرف روشنایی شود؛ زمستان در شبستان طرف طنبی و تابستان در صفه سنگ تراشان سنه ثلاث و سبعین و الف» (۱۰۷۳ هـ).

۸. بر نمای خارجی دیوار غربی مسجدگز بر لوحی این کتیبه خوانده می‌شود:

«وقف نمود آقا علی ولد محمد علی یاور تمامی سه در دکان بقالی پای گلدسته را از برای خدا آنچه اجاره دکان به هم رسد محمد شریف گرفته صرف مسجد بزرگ گز کند. به لعنت خدا گرفتار شود تغییر دهنده ۱۰۸۵»^{۴۰}

۹. در مدرسه ملا عبدالله واقع در اول بازار زیر چهار سوی شاه که در زمان شاه عباس اول برای تدریس مولانا عبدالله شوشتری از علمای بزرگ و در زمان شاردن، محمد باقر از علمای معروف مدرس آنجا بوده»^{۴۱} در کتیبه‌های محل تاریخ

بنا وجود ندارد ولی بر در مشرف به بازار تاریخ ۱۲۱۸ هجری قمری دیده می‌شود. وقف نامه ذیل بر لوح سنگی در این مدرسه موجود است:

«... وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج الحرمین میرزا محمد سه باب دکان در جنب یکدیگر با دو بالاخانه محدود به دکان تنباکو فروشی و به شارع و به خانه آقا صالح و به دکان نجاری و به دکان نخود بریزی و عطاری از دو طرف به شارع و به کوره آجرپزی مستغلات مزبوره واقعه در بازار غاز بر سقاخانه متصله به مدرسه ملاعبدالله که کرایه موقوفات مزبوره را حاجی مذکور تا حین حیات تولیت با اوست صرف اخراجات سقاخانه و تعمیر آن و مستغلات مزبوره بعد از وضع سدس که به حق التولیه شرط شده می‌بوده باشد و بعد از واقف تولیت؛ اصلح اولاد او و بطناً بعد بطن و نظارت با طلبه مدرسه مزبوره خواهد بود که اگر متولیان درباره

دایر نمودن آن و تعمیر و آبادی موقوفات و سنگی از حوض‌ها و چاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند و از مضمون و قیودی که شده در نگذردند و اگر اولاد واقف برطرف شوند تولیت با متولی مدرسه مزبوره خواهد بود و اگر متولی در باب جاری و معمور داشتن سقاخانه و مستغلات اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند به اسم هر که برآید او را متولی دانند و به این دستور نیز عمل می‌نموده باشند و از پانزدهم قوس تا پانزدهم حوت آب نکشند و منافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر و مستغلات ضبط می‌نموده باشد و اگر سقاخانه به سبب حوادث خراب شود و به هیچ وجه جاری نتوان نمود منافع را به پنج نفر طالب علم مستحق می‌داده باشند و تغییر دهنده به لعنت خدا و نفرین ائمه هدی (صلوات الله علیهم) گرفتار شود. امید است که واقف و راقم را به دعا یاد کنند فی سنه ۱۰۸۸».



در مسجد جامع نطنز (۷۰۴-۷۰۷ ه.ق) لوحی به این مضمون وجود دارد:

«... به توفیق حضرت جناب استاد حیدر نجار ولد مظفر نطنزی به شرح وقفنامهچه علیحده تمامت سه طاق از ممر قناتین دستجرده نطنز و باغ و ملک تابعه آن را وقف مسجد جامع نطنز نموده که متولی آن هر ساله حاصل آنها را بعد از وضع موضوعات در وقفنامهچه مزبوره صرف تعمیر و بوری و روشنایی مسجد مذکور نماید ... ۱۱۰۳».

۱۰. در مسجد حاج محمد مهدی (واقع در محله خواجه که امروز به مسجد زاغی شهرت دارد و در سال ۱۱۰۷ ساخته شده) لوحی به این مضمون وجود دارد:

«بنا نمود ... حاجی محمد مهدی ولد ... حاجی محمد رضا ابن ... حاجی غیاث الدین محمد ابن مسجد را وقف نمود به جهت روشنایی و بوری و آب‌کشی یک باب خانه متصله به مسجد مزبور و به جهت

تعمیر و خدمه مسجد مزبور وقف نمود همگی و تمامی دو حبه اربابی از جمله هفتاد و دو حبه قریه مهر آبادجی مشهور به باب الحکمه متصله بقریه شهرستان و تغییر دهنده به لعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان المبارک من شهر سنه ۱۱۰۸».

۱۱. در مسجد آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی (واقع در محله چهار سوی اصفهان)، بر کاشی‌کاری جمله «بانی کاشی‌های خطی میرزا حسن بصیری رمضان ۱۳۶۳ خوانده می‌شود» و در ایوان جنوبی مسجد بر لوح سنگی این خطوط مسطور است:

«... وقف شرعی نمود خیر الحاج حاجی فتح الله جوزدانی یک دانگ و یک ربع از طاحونه جوان را (قریه‌ای در شش کیلومتری غرب اصفهان) که مال الاجاره صرف روشنایی و بوری و تعمیر مسجد نو چهار سوی شیرازیان بشود و صیغه جاری شد ۱۲۷۶».

۱۲. در چهار سوی ساروتقی بر یکی از

دیوارها، کتیبه‌ای نصب است که بر آن چنین نوشته شده:

«مخفی نماند که چهار دانگ از دکان

نشاسته گری جنب چهار سوق

ساروتقی با متعلقات آن به موجب

وقفنامه جداگانه وقف است بر تعزیه

داری جناب خامس آل عبا حضرت

سید الشهداء (علیه آلاف التحیه و

الثنا) و یک دانگ دیگر وقف است

بر امامزاده واجب التعظیم امامزاده

اسماعیل، هر کس تبدیل و تغییر

دهد به لعنت خدا و نفرین رسول

گرفتار شود فی غره ذیحجه الحرام

۱۲۹۸».

۱۳. در مسجد آقا میرزا محمد باقر

چهار سوقی (واقع در محله چهار

سو اصفهان) برکاشی کاری نوشته

شده «واقف کاشی محمد جعفر

عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶».

۱۴. در مسجد دروازه حسن آباد، بر

کتیبه بالای سر در مسجد نوشته

شده «توفیق یافت مشهد حسن

سلمانی (وقف کننده) دو دکان یکی

متصل به عقب ابن قبه و جنب

دروازه حسن آباد و یکی دیگر دکان

نعل بندی درب این قبه وقف مؤبد

صحیح شرعی ... ۱۳۳۷» ۴۲.

کتیبه‌های مبنی بر وقف آب در مساجد و آثار اصفهان

کتیبه‌های مبنی بر وقف آب در

مساجد اصفهان نیز وجود دارد که یکی

از مهم‌ترین آنها در مسجد امام [مسجد

شاه سابق] است که در کتیبه‌ای به این

قرار آمده است:

۱. در مسجد شاه [امام] لوح سنگی

به دست آمده که کتیبه آن این است:

«به یمن توفیق ربانی و تأیید سبحانی

در زمان دولت خاقان الاعدل الاعظم

مالک رقاب الامم مولی سلاطین عرب و

العجم السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب

بهادرخان خلد الله ملکه و سلطانه در

ملازمت شاهزاده عالمیان نور حدیقه

امن و امان ابوالنصر سلطان احمد میرزا

(فرزند نهم شاه طهماسب) بنده درگاه

امیر اصلان بن رستم سلطان الله افشار

ارشلو (الله سلطان احمد میرزا از امراء

افشار) از زنده رود اصفهان حفر نهری



نموده آب مباح به مسجد جامع آورده و وقف کرد قربه الی الله تعالی بر عموم ... و کافه ناس و بر مسجد مذکوره مجری و ممر آب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظهر است آن را بلافاصله مع التوابع و اللواحق وقفاً مؤبداً مخلداً به این وجه که مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محفوظ باشند و چون از مسجد خارج شود به هر محل که جاری شود منافع آن را به مصرفی که در وقفیه مسطور است صرف نمایند و شرف نمود که با شرافت و نظارت

حضرت افادت و افاضت پناهی شیخ الاسلامی زیناً عیاً (شیخ علی منشار) منشارا خود به نفس نفیس و بعد از آن حضرت ارشد اولاد ذکور صلبی آن حضرت نسل بعد نسل و عقباً بعد عقب متولی وقف مزبوره بوده و نظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است قیام و اقدام نمایند و قبل از ورود آب به مسجد جامع مذکور احدی از بالا آب به باغات و مزروعات نبرد و به غیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای حضرت شیخ الاسلامی



لوح سنگی مسجد علی

که در بردن آب ...»^{۴۳}

۲. در ایوان شرقی مسجد علی بر لوح سنگی این کتیبه خوانده می‌شود: «در تاریخ سنه اربع و سبعین و تسعمائه عنایت ازلی شامل حال غلام شاه ولایت پناه ملک اصلان بیک بن مغفره پناه رستم سلطان افشار ارشلو شده یک لوله که قطر آن نیم چهار یک باشد به ذراع جدید اصفهان از نهر جرجی کان وقف نمود بر مسجدی که در جنوب آستانه هارون ولایت (علیه السلم و التحیه) واقع است بعد از آن که از ملاک آن موضع به وجه شرع شریف به او منتقل شده بود و تولیت آن به حضرت شریعت و افاده پناه شیخ الاسلامی علیاً منشاراً کرکیاً تفویض نمود و بعد از آن حضرت با ارشد اولاد او باشد مشروط به آن که از مسجد خارج شود به هر محلی که جاری شود منافع آن را به مصرفی که در او مسطور است صرف نماید و تغییر دهنده در لعنت الهی باشد به سعی بنده درگاه موسی به اتمام رسید سنه ۹۷۷».

۳. شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۳

هـ. ق فرح آباد اصفهان را که در دامنه کوه صفه واقع بوده بنا کرد که بنا به مندرجات کتاب تاریخ «وقایع السنین و الاعوام» زمین باغ سعادت آباد و آب آن را برای فرح آباد وقف کرد^{۴۴}.

مؤلف کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» در مواردی نیز به «سقاخانه‌های وقفی»، «سنگاب‌های وقف در اصفهان» و وقف «زیلو»، «منبر» و حتی «درخت»، «شتر» و ... اشاره داشته است.

سنگاب‌های وقف در اصفهان

مرحوم سپینتا در مورد سنگاب‌های وقفی از زمان صفویه تا دوره قاجار، مواردی را آورده که قابل توجه است و سیر تاریخی سنگاب‌ها از حیث وقف را در اصفهان مشخص می‌کند، در این مورد آمده است:

در مساجد و مدارس قدیم اصفهان سنگاب‌های فوق العاده زیبا وجود دارد که بهترین نمونه‌های هنر حجاری دوره‌های گذشته است و زیباترین آنها در مسجد شاه [امام] و مدرسه سلطانی [چهارباغ] دیده می‌شود.



انتخاب سنگ و تراش و تزیین این سنگاب‌ها از صنایع بدیع هنرمندان حجار ایرانی است، ساختن سنگاب و قرار دادن آن برای استفاده عمومی جزو نذورات و اعمال خیر بوده گاهی نیز سنگ‌های مخصوصی را برای ساختن سنگاب انتخاب می‌کرده‌اند از جمله داستانی که درباره سنگاب مسجد شاه [امام] نوشته‌اند مبنی بر این که بت هند را که محمود غزنوی از سومنات به اصفهان آورد، بعدها دو نیم کردند نیمی از آن را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر طهماسب سنگاب ساختند و سنگابی در مسجد شاه [امام] و سنگ سماقی در ازاره مسجد شاه [امام] قرار دادند^{۴۵} [البته از جهت تاریخی قابل تأمل است].

از جمله سنگاب‌های اصفهان که محل نصب و نام واقف و تاریخ حجاری آن معلوم است به شرح ذیل می‌باشد:

۱. سنگاب امامزاده اسماعیل علیه السلام، وقف کننده حاجیه شاهمر بنت حاجی میرزا علی جزی برخورداری با تاریخ

- ۱۰۴۹ ه.ق
۲. سنگاب در باشگاه افسران سابق با تاریخ ۱۰۵۶ ه.ق
۳. سنگاب مسجد حکیم، وقف کننده حاجی نصرت با تاریخ ۱۰۵۷ ه.ق
۴. سنگاب مدرسه ترک‌ها، وقف کننده صفی قلی با تاریخ ۱۰۸۱ ه.ق
۵. سنگاب مدرسه سلطانی، وقف کننده حاجی ابوالحسن اردکانی با تاریخ ۱۰۹۰ ه.ق
۶. سنگاب شاهزاده ابراهیم، وقف کننده محمد علی بن طالب با تاریخ ۱۰۹۱ ه.ق
۷. سنگاب مجلسی، وقف کننده آقازوالفقار ولد آقا نصیر، ۱۰۹۳،
۸. سنگاب مسجد امام [مسجد شاه سابق]، وقف کننده شاه سلیمان با تاریخ ۱۰۹۵ ه.ق
۹. سنگاب مسجد لبنان، وقف کننده محمدخان با تاریخ ۱۱۰۰ ه.ق
۱۰. سنگاب صفا صاحب مسجد جمعه، وقف کننده استاد امین ولد اسماعیل با تاریخ ۱۱۰۲ ه.ق
۱۱. سنگاب مسجد خوزان، وقف کننده

۱۵. سنگاب مسجد سرخی (سفره چلی)، وقف کننده محمد شفیع خیاط با تاریخ ۱۱۱۷ هـ. ق
۱۶. سنگاب مسجد مصری، وقف کننده حاجی آقا جانی و حاجی حسن با تاریخ ۱۱۲۰ هـ. ق
۱۷. سنگاب مسجد اشترجان، وقف کننده ابن غلامعلی علی داد با تاریخ ۱۲۴۴ هـ. ق
۱۸. سنگاب هارون ولایت، وقف کننده حاجی حیدر با تاریخ ۱۱۰۸ هـ. ق
۱۲. سنگاب مدرسه سلطانی، وقف کننده شاه سلطان حسین با تاریخ ۱۱۱۰ هـ. ق
۱۳. سنگاب مسجد حکیم، وقف کننده آقا رحیم ولد نظام با تاریخ ۱۱۱۴ هـ. ق
۱۴. سنگاب درب امام، وقف کننده ورثه مرحوم حاجی حیدر با تاریخ ۱۱۱۷ هـ. ق



سنگاب مدرسه امام صادق علیه السلام

- محمد حسین ابن مرحوم آقا مسیح
با تاریخ ۱۲۶۱ ه.ق
۱۹. سنگاب مسجد جارچی، سال
۱۲۶۷
۲۰. سنگاب مسجد سید، وقف کننده
حاجی کاظم قاری در سال ۱۲۴۹
۲۱. سنگاب مدرسه صدر، وقف کننده
حاجی ابراهیم فرزند محمد بیک
شیروانی در سال ۱۲۷۵
۲۲. سنگاب مسجد محله نو، وقف
کننده میرزا ابوطالب علاقه بند در
سال ۱۲۷۶
۲۳. سنگاب مسجد نو چهار سو
شیرازی‌ها، وقف کننده حاجی
فتح الله ولد مرحوم آقا عبدالرضا لر
شیروانی در سال ۱۲۸۰
۲۴. سنگاب مدرسه میرزا حسین، وقف
کننده حاجی محمد کاظم ابن حاجی
محمد مهدی قاری در سال ۱۲۷۵
۲۵. سنگاب مسجد گز، وقف کننده
حاجی محمد ابراهیم خلف میرزا
محمد بیک در سال ۱۲۷۰
۲۶. سنگاب مسجد صفا (بدون نام
وقف کننده) در سال ۱۲۹۰
۲۷. سنگاب مسجد خان، وقف کننده
استاد جواد حجار اصفهانی در سال
۱۳۰۵
۲۸. سنگاب مسجد قطیبه، وقف کننده
دختر باقر در سال ۱۳۰۷
۲۹. سنگاب مسجد رحیم خان، وقف
کننده میرزا اسدالله ولد حاجی
ابوالقاسم در سال ۱۲۹۹
۳۰. سنگاب مسجد صفا (وقف کننده
معلوم نیست) در سال ۱۳۳۲
- بخش پایانی این اثر گران سنگ
[تاریخچه اوقاف اصفهان]، تحلیلی بر
اوضاع اوقاف اصفهان به ویژه در اوایل
دوره قاجاریه است، مرحوم عبدالحسین
سپینتا در این قسمت از اثر به اوضاع
وخیم و نابسامانی که وقف اصفهان در
آن دوران بدان مبتلا بوده اشاره می‌کند
و با استناد به منابع متعدد و برخی اسناد
اوضاع را این گونه ترسیم نموده است:
- اوقاف اصفهان در زمان قاجاریه**
- در دوره قاجار نه فقط توجهی نسبت
به اوقاف اصفهان نشد و موقوفات آن
دچار وضع ناگوار گردید و موقوفه

خواران طی قریب یک قرن میدان وسیعی برای تجاوز به موقوفات پیدا کردند. به علاوه مسافرت فتحعلی شاه با عده‌ای از قشون به اصفهان که ظاهراً به منظور سرکوبی ملایر از حاجی سید محمد باقر بود، وضع اوقاف اصفهان را مغشوش ساخت.

همچنین درباره اوضاع اوقاف اصفهان در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه آمده است:

«هزار قریه و مزرعه مخروبه و معدومه و غیر مزروعی از اربابی و وقفی و خالصه در ثبت اصفهان نوشته چهارده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات اصفهان به میرزا عبدالحسین وزیر پیشکار مالیه مساعده دادند تا آنچه را بتواند نسق بگیرد و احیاء نماید یک دینارش را صرف دهات نکرد، همه را سرب و باروت خریده و با نواب‌ها و محمد علیخان همدست شده و یاغی‌گری کرد و باقی مزارع و دهات آباد اصفهان را نیز مخروبه و ارض موات کردند»^{۴۶}.

به قول جابر انصاری در عباس آباد

و مستهلک و چرخاب و صالح آباد و اطراف چهار باغ کهنه و نو سابقاً همه خانه و مساجد و مدارس و تکایا بود که در آن دوره از بین رفت».

در چنین دوره‌ای بود که یکی از فرزندان توانای اصفهان، صدر اصفهانی در شهر نیمه ویران اصفهان برپا خواست و موقوفات وسیع و اعمال خیر او در اصفهان و سایر نقاط ایران و عراق زباز زد عموم شد، از آنجایی که تاریخچه‌ای مستقل و مستند از زندگی صدر در دست عموم نیست، بجاست ما در اینجا شمه‌ای از زندگی او را شرح دهیم.

امین الدوله حاجی محمد حسین خان نظام الدوله فرزند حاجی محمد علی پسر حاجی محمد رحیم متولد در سال ۱۱۷۴ هـ. ق و متوفی در ۱۲۳۹ هـ. ق در زمان فتحعلی شاه به رتبه صدارت رسید، پدرش حاجی محمد علی و جدش حاجی محمد رحیم، مباشر شهر بودند و در زمان زندیه نیز اجدادش به این سمت بوده‌اند. خود محمد حسین خان نیز اول مباشر



اصفهان بود و در اواخر زمان فتحعلی شاه به حکومت اصفهان رسیده است. پل خواجه را تعمیر کرده است و سمت بیگلربیگی اصفهان را داشته و در سال ۱۲۱۵ هـ.ق به او دستور داده شد که بین عمارت چهلستون و بهشت آیین عمارتی برای حرم بسازد و او در محل بنایی از صفویه، عمارت صدری را بنا ساخت و تخت مرصع طاوس معروف را که اینک در کاخ گلستان است و به نام طاوس، زن سوگولی فتحعلی شاه ساخته شده، حاجی محمد حسین خان در اصفهان به دستور شاه ساخت (۱۲۱۶ هـ.ق).

در سنه ۱۲۲۱ هـ.ق که میرزا شفیع صدراعظم وزیر اول شد، حاجی محمد حسین بیگلربیگی و حکمران اصفهان به تهران احضار و وزیر ثانی شد و حکومت اصفهان به پسر او عبدالله خان واگذار گردید.

در سال ۱۲۲۳ هـ.ق که میراثبات علی برای رفع تعدیات انگلیس از جانب حکومت سند به ایران آمده و متوسل شده بود، میرزا مهدی منشی

حاجی محمد حسین خان را برای رفع اختلافات به سفارت هند فرستادند (۱۲۲۴ هـ.ق).

در سال ۱۲۲۷ هـ.ق حاجی محمد حسین خان امین الدوله به دستور فتحعلی شاه در کنار رود کرج بنایی به نام سلیمانیه (بنام سلیمان میرزا) ساخت.

در سال ۱۲۲۸ هـ.ق حاجی محمد حسین خان امین الدوله لقب نظام الدوله یافت و مأمور نظم فارس و عراق شد و به شیراز رفت و پسر بزرگ او عبدالله خان که بیگلربیگی یعنی حاکم اصفهان بود به تهران احضار شد و لقب امین الدوله به او داده شد و به جای پدر، استیفای ایران به او تفویض گردید.

در سال ۱۲۳۴ هـ.ق پس از درگذشت میرزا شفیع صدر اعظم، حاجی محمد حسین خان نظام الدوله به صدارت عظمی رسید و ماده تاریخ صدارت او «وزیر اعظم» آمد، با آن که میرزا بزرگ پیشکار آذربایجان، قائم مقام صدارت میرزا شفیع بود، این موفقیت نصیب حاجی محمد حسین

خان نظام الدوله شد و پسرش عبدالله
خان امین الدوله متصدی مشاغل پدر
گردید.

در سال ۱۲۳۹ هـ.ق حاجی محمد
حسین خان صدر اعظم از اصفهان
به تهران آمد و به مرض مزمن یرقان
صبح چهارشنبه سیزدهم صفر ۱۲۳۹
در گذشت. جسد او را به نجف حمل
کردند و در مدرسه معروف صدر که از
ابنیه خود او بود دفن گردید، او را به
واسطه خدمات زیاد و داد و دهش فوق
العاده حاتم الصدور و معین الوزراء
خوانده‌اند.^{۴۷}

آثار صدر

آثاری که صدر از خود باقی گذاشت
و در کتب ثبت است به شرح ذیل
می‌باشد:

۱. باروی شهر نجف در سال
۱۲۲۶ هـ.ق. ۴۸
۲. بنای روضه و صحن حضرت
عباس علیه السلام و درهای مشبک نقره
نجف و کربلا و قم.
۳. سه باب مدرسه در اصفهان واقع در
پاقلعه، فتح آباد و بازار^{۴۹}
۴. مدرسه و سقاخانه در نجف
۵. تکیه و قلعه در بلوک علیای جرقریه



باروی شهر نجف

اصفهان و روستاهایی که به اوقاف صدر مشهور است.^{۵۰}

۶. چهار باغ صدر

۷. عمارت صدری جنب چهلستون که ویران شده است.

۸. عمارت سلیمانیه کرج

۹. عمارات سلطانیه و تعمیر باغ فین کاشان

۱۰. تعمیر و تجدید نقاشی «چهار سوق نقاشی» اصفهان^{۵۱}

۱۱. تعمیر سردر مسجد جمعه و بازار جنب سقاخانه در سال ۱۲۱۸ ه.ق در اوایل جلوس محمد شاه، میرزا ابوالقاسم قائم مقام به مقام صدارت رسید به طوری که گفته می‌شود محمد شاه از زمان فتحعلی شاه با صدر رابطه خوبی نداشت و می‌گویند صدر با ولایتعهدی محمد شاه موافق نبوده و پسر دیگر فتحعلی شاه را که در شیراز حکمرانی داشت، برای این مقام بر محمدشاه ترجیح می‌داده است.^{۵۲}

صدر در مدت حکومت و وزارتش در اصفهان مقر خود را در عمارت صفویه معروف به عمارت صدری

جنب هشت بهشت قرار داده بود^{۵۳}.

صدر دارای هشت پسر و چهار دختر بوده است که پسرانش عبارت بوده‌اند از:

۱. عبدالله خان امین الدوله، ۲. میرزا عبدالحسین خان، ۳. حاجی محمد زمان خان، ۴. رضاعلی خان، ۵. محمد ابراهیم خان ناظر الدوله (داماد فتحعلی شاه و شوهر عصمت الدوله)، ۶. شکرالله خان، ۷. حاجی محمد علیخان و ۸. حیدر علیخان.

شرح حال صدر اصفهانی در خلال کتب منتظم ناصری، ناسخ التواریخ، روضه الصفاى ناصری، تاریخ عضدی، یادداشت‌های محمد حسین خان اعتماد السلطنه ثبت است^{۵۴}.

در سال ۱۳۲۸ خورشیدی جمعی از افراد خانواده صدری انجمنی به نام «انجمن خاندان صدری» که اولین جلسه آن روز سه شنبه ۱۹ مهر ۱۳۲۸ خورشیدی بود در منزل آقای عبدالحسین صدری رکن الملک نبیره صدر تشکیل و اساسنامه‌ای مشتمل بر بیست و هفت ماده به نام اساسنامه

انجمن خاندان صدری تنظیم و تصویب کردند که در همان ماه چاپ شد.

در پایان این اثر نیز رونوشت وقفنامه صدر آمده است که در آن به مصارف عواید و موقوفات به ویژه به مصارف عتبات اشاره شده است و از جمله وقفیات قابل اعتنای عصر قاجاری به حساب می‌آید. ضمن این که پس از درج وقفنامه در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان صورتی از فهرست مساجد، مدارس قدیم و بقاع و تکایای اصفهان با درج مکان و محل آن آمده است.

نتیجه گیری

۱. بالندگی و شکوه فرهنگ و تمدن اسلامی و آبادانی ایران و شکل گیری شهرهایی بزرگ را از لابلای متون وقفی می‌توان دریافت نمود که در این رابطه کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» مرحوم عبدالحسین سپنتا تبیین قابل ملاحظه‌ای از این موضوع را در بر دارد.

۲. با تکیه بر چنین متون و منابعی به توسعه تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری به ویژه در عصر حکومت دولت

شیعی مذهب آل بویه و در شهرهایی مانند اصفهان، می‌توان پی برد چرا که وزیران نام‌آوری چون صاحب بن عباد در این موضوع اهتمام داشته و گام‌های ارزشمندی برداشته‌اند که در اثر مرحوم سپنتا بدان پرداخته شده است.

۳. هر چند دولت‌هایی چون سلاجقه بیشتر خوی نظامی‌گری داشتند اما با تمسک به برخی از موازین مربوط به دین و ارزش‌های معنوی در پیشبرد جامعه‌گامی تحول‌آفرین بودند که تمسک به وقف نیز در این زمان مشهود و معلوم است.

۴. دوران صفویه را می‌توان اوج شکوفایی جامعه و پیشرفت فرهنگ مذهبی به ویژه دانش‌های شیعی قلمداد نمود و وقف در این دوره نقش فوق‌العاده‌ای دارد که در اثر مرحوم سپنتا به این موضوع به خوبی پرداخته و نمونه‌هایی متعدد از این آثار ارایه گردیده است.

۵. اتفاقات ناگوار چون تهاجم افغان، بی‌توجهی نادر به اوقاف و هرج و مرج، وضع ناخوشایندی را برای



اوقاف ایران به ویژه اصفهان پیش آورده که علی‌رغم برخی اقدامات در ابتدای دوران قاجار توسط محمدحسین خان صدر اصفهانی، باز این موضوع ترمیم نشد.

۶. اثر مرحوم سپینتا اگرچه نام «تاریخچه اوقاف اصفهان» را دارد و با تأکید به متون وقفی درباره اصفهان است لیکن نوعی توصیف و سیری از تاریخ وقف در ایران نیز می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، ص الف.
۲. محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی در سال ۱۳۰۸ هجری، اصفهان را دارای چهارصد مسجد می‌داند.
۳. مرحوم آقای دکتر هنرفر در تألیفات کتاب «کتیبه‌های تاریخی آثار اصفهان» زحمت زیاد کشیده‌اند و کتیبه‌های وقفی مساجد و مدارس اصفهان از کتاب مزبور استفاده شده و ذیل صفحات موارد استفاده معین گردیده است.
۴. در کتیبه مسجد ملا عبدالله اصفهان.
۵. در کتیبه مدرسه شفیعیه اصفهان.
۶. مقاله «جزر و مد سیاست و اقتصاد در امپراطوری صفویه» به قلم دکتر باستانی پاریزی، مجله یغما، سال ۱۹، شماره ۱۱، ص ۵۹۳.
۷. اصفهان وری، ص ۲۲۳.
۸. محاسن اصفهان، ص ۶۳.
۹. جهت کتیبه این سر در مراجعه کنید به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۲.
۱۰. اصفهان وری، ص ۲۵۰.
۱۱. یک بررسی از هنرهای ایران، ج ۳، ص ۹۳۵ و آثار ایران، گذار، ج ۲، ص ۱۰۶.
۱۲. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۷۵.
۱۳. گنبد نظام الملک در مسجد جمعه اصفهان (۴۷۳-هـ) از آثار بسیار با عظمت نظام الملک است، نظام الملک در سال ۴۸۵ هجری به دست یکی از اسماعیلیان کشته شد و در دارالبطیخ



- اصفهان مدفون گردید.
۱۴. ذیل کتاب محاسن اصفهان، ص ۱۴۲.
۱۵. ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳.
۱۶. نصف جهان، ص ۶۰.
۱۷. شاردن، ج ۵، ص ۴۵.
۱۸. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۸.
۱۹. به نقل از گنجینه آثار تاریخی، ص ۸۶۳.
۲۰. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۴۰ به نقل از تذکره شاه طهماسب.
۲۱. ظاهرآ سردر قیصریه بعد از ساختمان بازار آن و در سال ۱۰۲۶ هـ.ق به اتمام رسید مراجعه شود به: آثار ایران، گذار، ج ۲، ص ۱۲، ترجمه فارسی و گنجینه آثار تاریخی، ص ۴۴۶.
۲۲. عالم آراء، ج ۲، صص ۷۶۱ - ۷۶۲.
۲۳. همان، ج ۲، ص ۷۶۱.
۲۴. همان.
۲۵. همان، ج ۲، ص ۷۶۰.
۲۶. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۴۴ - ۴۵.
۲۷. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۴۶ - ۴۸.
۲۸. سرجان ملکم، ص ۲۷۱.
۲۹. شاردن، ج ۷، ص ۱۶۶.
۳۰. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۲۵.
۳۱. تاریخ اصفهان وری، ص ۲۸۰.
۳۲. همان، ص ۲۶۵.
۳۳. همان، ص ۲۷۲.
۳۴. همان، ص ۲۷۸.
۳۵. همان، ص ۲۴۵.
۳۶. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۳۶.
۳۷. همان، ص ۱۲۴.
۳۸. تاریخ اصفهان وری، ص ۳۰۷.
۳۹. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۹۰، راجع به جاهایی که نقطه گذاشته، می نویسد: سترده شده و نیز بقیه کتیبه که نصف دیگر سنگ لوح است به کلی حک شده است.
۴۰. آثار ایران، گذار، ج ۲، جزوه اول، ص ۹۴.
۴۱. همان.
۴۲. برای یافتن مطالب درباره الواح سنگی مذکور مراجعه کنید به کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان.
۴۳. دکتر هنر فر در صفحه ۱۶۳ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، می نویسد: این لوح در بهار سال ۱۳۴۰ خورشیدی ضمن لارویی از مجرای زیرزمینی مسجد جمعه اصفهان مقابل محراب گچ بری واقع در ضلع جنوبی دالان ورودی فعلی (دالان شرقی مسجد) به دست آمده و می نویسد: این لوح که هیچ وقت در نظر نبوده است و برای اولین بار از طرف مؤلف [مقصود دکتر هنر فر] در این کتاب معرفی شده و کتیبه آن منتشر می گردد.
۴۴. وقایع السنین و الاعوام، نسخه کتابخانه مجلس، ص ۶۰۷ نقل از گنجینه آثار تاریخی، ص ۷۲۴ و ۲۷۶.

۴۵. تاریخ اصفهان وری، ص ۲۲.
۴۶. همان، ص ۴۶.
۴۷. ناسخ التواریخ در گذشت صدر را ۱۲۳۸ هـ.ق ثبت کرده ولی منتظم ناصری ۱۲۳۹ هـ.ق دانسته است.
۴۸. محمد طلعت ماده تاریخ حصار نجف را «یک برج زقلعه نجف نه فلک است» گفته ۱۲۲۶ هـ.ق، طبق قراری که بین صدر اصفهانی با اعمال عثمانی در عراق گذاشته شد، اراضی بین دیوار قلعه و خانه‌های آباد نجف که بایر بود به ملکیت صدر درآمد و بعداً به نواده‌های او حاجی علی، حاجی امین، حاجی اسدالله خان پسران میرزا علی محمد خان نظام الدوله و فرزندان آنها رسید، فرهاد میرزا در کتاب «جام جم» بنای باروی نجف را در سال ۱۲۲۳ هـ.ق می‌نویسد.
۴۹. در این مدرسه علمای بزرگی مانند ملا محمد کاشی، جهانگیرخان دهقانی [قشقایی]، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملا محمد حسین فشارکی، آقا شیخ محمد خراسانی، سید محمد و سید علی نجف آبادی، سید محمد رضا خراسانی مدرس بوده‌اند. (تاریخ اصفهان وری، ص ۳۰۹). در کتاب نصف جهان، ص ۷۱، محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی در سال ۱۳۰۸ هجری می‌نویسد: «مدرسه صدر که مدرسه مرحوم حاجی محمد حسین خان صدراعظم اصفهانی می‌باشد، از روی همان مدرسه چهار باغ سلطانی بنا شده است اما یک طبقه است و فضا و
- حجرات و وسعت آنها و درست سازی مطابق با طبقه تحتانی آن مدرسه است و همچنین چهار ایوان به چهار سمت برای مسجد آن ساخته شده است اما افسوس که عمر او کفاف نکرد و نارسا گردید و مدرسه به این خوبی ناتمام بماند و با وجود این از حسن نیت او مدرسه دایر است و تمام حجرات آن طلبه نشین و بر سر آن نزاع است به خلاف سایر مدارس که اکثر حجره‌های آن خالی است.» [خوشبختانه اکنون این مدرسه تکمیل و در دو طبقه تکمیل و مورد استفاده است].
۵۰. در اساسنامه انجمن خاندان صدری در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، ص ۳ می‌نویسد: «فقط عایدات موقوفه جرقویه اصفهان متجاوز از ششصد هزار ریال آن وقت بوده است».
۵۱. چهار سو نقاشی اصفهان که متأسفانه قسمت عمده آن ویران شده است و کمی از آن باقی است، از آثار دوره صفویه و منصوب به «اسفندیار بیک» از رجال صفویست، صدر آن را تعمیر و نقاشی‌های آن را انجام داد (گنجینه آثار ملی، ص ۳۳).
۵۲. نقل قول از آقای محمد علی مشیر صدری که شخصاً از محمود امین الملک شنیده بوده است.
۵۳. تاریخ اصفهان وری، ص ۳۵۰.
۵۴. اساسنامه خاندان صدری، ص ۶.